

بررسی تطبیقی مبانی مسئولیت کیفری دارندگان وسایل نقلیه موتوری در فقه فریقین*

نرگس رائیجی پارسایی (نویسنده مسئول)**

حمید روستایی صدرآبادی***

مهرداد جمشیدیان****

چکیده

دارندگان وسایل نقلیه وظایف و تعهدات و درعین حال مسئولیت‌هایی دارند که توجه به این مسئولیت‌ها اعم از مدنی یا کیفری، برای حفظ حقوق شهروندان و پیشگیری از تضییع حق آنان، امری لازم و ضروری است. دین مبین اسلام که تمام نیازمندی‌های آدمی را پاسخ گفته است درباره مسئولیت کیفری دارنده وسیله نقلیه نیز سکوت نکرده و میزان مسئولیت او را تعیین نموده است. این پژوهش به روش توصیفی، تحلیلی با بررسی آخرین قوانین در خصوص دارندگان وسایل نقلیه موتوری، با هدف بررسی مبانی مسئولیت کیفری دارندگان وسایل نقلیه موتوری در فقه فریقین انجام شده است. در بیان وجوه تمایز نظرات شیعه و اهل سنت، می‌توان گفت در مواردی چون مسئولیت راننده در صورت عدم کنترل وسیله نقلیه با وجود توانایی انجام آن، لزوم پرداخت دیه در قتل خطای محض و مسئولیت راننده در صورت عدم رعایت قوانین و مقررات، اتفاق نظر کلی در ضمان راننده در صورت عدم رعایت قوانین و مقررات، وجود دارد؛ البته در مواردی مانند برخورد دو مرکب به هم و فوت یکی از دو راکب، تفاوت‌هایی نیز در بین اقوال علمای اهل سنت با علمای شیعه به چشم می‌خورد.

کلید واژه‌ها: فقه، مسئولیت کیفری، فقه فریقین، دارندگان وسیله نقلیه

موتوری.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۱۲ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۲۰.

** دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا دانشگاه میبد / rana_parsa@yahoo.com

*** استادیار گروه فقه و حقوق دانشکده الهیات دانشگاه میبد / rostaei@meybod.ac.ir

**** دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه مذاهب اسلامی تهران /

mehrdadjamshidian10@yahoo.com



مقدمه

با توجه به ازدیاد و توسعه روز افزون ناوگان حمل و نقل شهری در جامعه و از طرفی نیز به لحاظ شایع شدن مشغله‌های فکری و روحی افراد، برای ایجاد و گسترش حوزه عدالت در جامعه، قانونگذار به ناچار به وضع و تصویب قوانینی که ناشی از خطای راندگی است، اقدام نموده تا به این واسطه، رانندگان نسبت به اجرای کامل قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های راندگی نهایت دقت و اطاعت از قوانین را بنمایند. (باوی و بهمنی، ۱۳۹۳: ۲۲)

هدف از انجام این پژوهش آن است تا با بررسی مبانی فقهی موجود در خصوص مسئولیت کیفری دارندگان وسایل نقلیه که به دلیل تخطی و تقصیر خود، حقوق سایر افراد را تضییع کرده و موجب ایجاد ضرر جانی و جسمی برای آن‌ها شده‌اند، میزان تعیین شده مجازات برای تخطی آن‌ها را مورد مطالعه قرار دهد تا علاوه بر ممانعت از هرگونه عذر و بهانه‌تراشی و یا اعتراض به قوانین موجود که لازم است با قوانین شرع مطابقت داشته باشند، از هرگونه افراط و تفریط در زمینه جبران حقوق مجنی‌علیه و یا میزان مجازات جانی جلوگیری شود.

با توجه به آنکه قوانین راهنمایی و راندگی از حقوق جزا محسوب می‌شود و در آن برای دارندگان وسایل نقلیه و رانندگان متخلف، کیفر معین شده است و نظر به اینکه ضرر و زیان، از تبعات حوادث راندگی است، برای جبران آن دو نوع مسئولیت کیفری و مدنی در نظر گرفته شده است.

بدیهی است نظام حقوقی جامع و کامل با در نظر گرفتن کلیه چارچوب‌ها و پاسخگویی به تمام نیازهای جامعه محقق خواهد شد. دین مبین اسلام همواره پاسخگوی نیازهای بشری است و بهترین معیار برای سنجش وضعیت موجود و تدوین چارچوب‌های لازم می‌باشد، لذا بررسی مبانی فقهی مسئولیت کیفری بخشی از مکلفین قانون آیین‌نامه راهنمایی و راندگی یعنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری، میزان انطباق قوانین فعلی مرتبط با آنان را با موازین شرعی روشن خواهد ساخت و با ارائه اصولی بنیادین جهت جلوگیری از تضییع هرگونه حق، زمینه را برای تصویب قوانین دیگر در رابطه با مسائل مستحدثه آتی در این حوزه، فراهم خواهد نمود.

۱. پیشینه پژوهش

مؤلفین کتب حقوقی همچون ولیدی (۱۳۶۶) در کتاب «حقوق جزا مسئولیت کیفری»، مهمان نوازان (۱۳۸۹) در اثر خود با عنوان «خسارات قابل جبران در حقوق ایران» و آقائی نیا (۱۳۹۲) در تألیف خود تحت عنوان «حقوق کیفری اختصاصی جرائم علیه اشخاص»، در زمینه جرایم ناشی از تخلفات رانندگی و روش‌های جبران و پرداخت خسارت، به طور کلی مطالبی را مطرح نموده‌اند.

جباری و اسکندرجوی (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی مبانی فقهی، حقوقی قانون بیمه اجباری با رویکردی به دیدگاه حضرت امام خمینی (علیه السلام)»، ضمن بیان نظریات حقوقی همچون نظریه تقصیر و نظریه خطر، در قسمت فقهی مقاله به بیان نظر فقها و امام خمینی (علیه السلام) در خصوص بیمه و مؤیدات آن اکتفا نموده‌اند.^۱

علیبور (۱۳۸۶) در پایان‌نامه خود با موضوع «بررسی میزان مسئولیت کیفری ناشی از حوادث رانندگی»، پس از بیان ارکان تشکیل‌دهنده جرایم رانندگی، مجازات‌ها و مراجع صالح رسیدگی به این جرایم را مطرح نموده است و ضمن تقسیم قوانین به حکومتی و شرعی، قائل به نوعی شتابزدگی قانونگذار در اختیار نمودن بعضی از مواد قانونی شده است.^۲

خادمی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «حدود و قلمرو مسئولیت دارنده و راننده وسیله نقلیه موتوری زمینی در نظام مسئولیت مدنی ایران»، قوانین حاکم بر مسئولیت مدنی را مطرح، حدود مسئولیت مدنی راننده و دارنده وسیله نقلیه و موارد معافیت آنان را از مسئولیت، بیان نموده است.^۳ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

معبودی و حداد (۱۳۹۳) در پژوهشی با موضوع «مبنای مسئولیت مدنی دارنده وسیله نقلیه موتوری زمینی با توجه به قانون جدید بیمه اجباری» با بیان فرض‌های مختلف در

۱. مقاله بررسی تطبیقی مبانی فقهی حقوقی قانون بیمه اجباری با رویکردی به دیدگاه حضرت امام خمینی؛ ۱۳۸۲: ۱۶۱-۱۱۷.

۲. پایان‌نامه «بررسی میزان مسئولیت کیفری ناشی از حوادث رانندگی»، ۱۳۸۶: ۱۰۷-۱.

۳. پایان‌نامه «حدود و قلمرو مسئولیت دارنده و راننده وسیله نقلیه موتوری زمینی در نظام مسئولیت مدنی ایران»، ۱۳۹۰: ۱۷۰-۱.





مسئولیت مدنی، نظریات حقوق دانان معاصر را در این رابطه، مطرح و آن را مورد بررسی و نقد قرار داده‌اند.^۱

بخردیان و عطار(۱۳۹۴) نیز در مقاله با عنوان «بررسی مبنای فقهی حوادث رانندگی» با مبنا قرار دادن حوادث رانندگی، مبنای فقهی رانندگی را به طور کلی مورد مطالعه قرار داده و ادله فقهی موجود مرتبط را مطرح نموده‌اند.^۲

تاکنون آثار زیادی به صورت جسته و گریخته در خصوص مسئولیت مدنی و کیفری نگارش شده است، اما در خصوص مسئولیت کیفری راننده و دارنده وسیله نقلیه، به طور شفاف صحبتی به میان نیامده است. یکی از مواردی که در این حوزه بحث در مورد آن ضروری است این است که آیا دارنده وسیله نقلیه در صورت بروز خسارتی دارای مسئولیت کیفری است یا خیر؟ و مهم‌تر آنکه مبنای فقهی این نوع از مسئولیت، چه مواردی هستند. در این پژوهش سعی شده است تا مبنای فقهی این موضوع در فقه امامیه و مذاهب اهل سنت با در نظر گرفتن منابع موجود، مورد بررسی و تبیین قرار داده شود.

۲. تعریف اصطلاحات

أ) مبنای فقهی

مبنای در لغت از ریشه «بنی» و جمع مبنی و به معنای جای، عمارت‌ها، بناها، بنیان‌ها، بنیادها و اساس‌ها می‌باشد. (عمید، ۱۳۸۹: ۹۰۷) به عبارت دیگر اساس یک چیز را «بنا» یا «مبنای» آن چیز گویند و در اصطلاح: «دلایل و مستندات عقلی و نقلی» فقهی مذاهب را مبنای فقهی گویند.

راغب اصفهانی، فقه را این‌گونه تعریف می‌کند: «دستیابی به علم غایب از طریق علم حاضر است و آن اخص از علم است». (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۶۴۲) «فقه» در لغت به معنای دانستن و فهمیدن است (معلوف، ۱۹۰۸م: ۵۹۱) و در معنی خاص، علم به اصول عقاید (فقه اکبر) و فروع (فقه اصغر) است و در معنی اخص که همان فقه اصغر است، شامل سه بخش عبادات، معاملات و سیاسات است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۴: ۲۸۱۲)

۱. مقاله «مبنای مسئولیت مدنی دارنده وسیله نقلیه موتورسیکلت با توجه به قانون جدید بیمه اجباری»،

۱۳۹۲: ۲۰۷-۱۸۱.

۲. مقاله «بررسی مبنای فقهی حوادث رانندگی»، ۱۳۹۴: ۱۳۸-۱۲۳.



و در اصطلاح: «الْعِلْمُ بِالْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ الْفَرْعِيَّةِ عَنْ أَدْلَتِهَا التَّفْصِيلِيَّةِ»؛ علم به احکام فرعی شرعی با استناد به ادله تفصیلی آن‌ها می‌باشد. (شهید ثانی، بی‌تا: ۶۲۹)

ب) مسئولیت کیفری

در فرهنگ عمید «مسئول» به معنای پرسیده شده و خواسته شده، و «مسئولیت»، به معنای آنچه که انسان از وظایف و اعمال و افعال عهده‌دار و مسئول آن باشد، آمده است. (معلوف، ۱۹۰۸ م: ۳۱۶؛ عمید، ۱۳۸۹: ۹۳۷)

مسئولیت در معنی عام آن از نظر قانون، شامل مسئولیت مدنی و کیفری است و مسئولیت کیفری، ناشی از جرم و یکی از بنیادهای حقوقی است که بدون اثبات آن، احقاق حق، مفهوم عینی خود را از دست داده، صرفاً جنبه ذهنی خواهد داشت، زیرا در جریان رسیدگی به هر پدیده جزائی، یگانه عاملی که حق را از قوه به فعل درآورده و به آن عینیت می‌بخشد و به طور ملموس در اختیار صاحب حق قرار می‌دهد، اثبات مسئولیت کیفری است. (ولیدی، ۱۳۶۶: ۱۱)

«کیفر» در لغت به معنای سزا، جزا و مجازات است (عمید، ۱۳۸۹: ۸۶۱) و «مسئولیت کیفری» نوعی الزام شخصی به پاسخگویی آثار و نتایج نامطلوب پدیده جزائی یا جرم است. (ولیدی، ۱۳۶۶: ۲۶) در حقیقت، مسئولیت کیفری نوعی الزام است که بر اساس آن، شخص باید در برابر آثار و نتایج نامطلوب پدیده جزایی یا جرم پاسخگو باشد.

ج) دارنده

تبصره یک ماده یک قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷، «دارنده» را چنین تعریف می‌کند: «دارنده از نظر این قانون، اعم از مالک و یا متصرف وسیله نقلیه است و هر کدام که بیمه‌نامه موضوع این ماده را تحصیل نماید تکلیف از دیگری ساقط می‌شود».

در اصطلاح «دارنده وسیله نقلیه موتوری زمینی» کسی است که مانند مالک یا مستاجر رابطه حقوقی و هم اقتصادی با وسایل نقلیه دارد (مهمان‌نوازان، ۱۳۸۹: ۱۱۳)، اما منظور از راننده در ماده ۷۱۴ ق.م. هر کسی است که هدایت وسیله نقلیه اعم از زمینی، هوایی یا دریایی را بر عهده دارد. بنابراین خلبان، لوکوموتیوران، ناخدا، راننده خودرو، راکب دوچرخه، موتورسوار، درشکه‌چی، قایقران، راننده مترو و امثال آن از دیدگاه مقنن در این ماده راننده محسوب می‌شوند.



مقنن واژه متصدی را به همراه وسیله موتوری به کار برده که به طور معمول در محلی ثابت به انجام وظیفه خود می‌پردازد (آقائیا، ۱۳۹۲: ۳۸۱-۳۸۰)

واژه دارنده در این قانون ابهام دارد. حال که تعریفی از راننده ارائه شد می‌توان دریافت مقصود از دارنده، مالک اتومبیل است که گاهی ممکن است با راننده یکی باشد و گاهی ممکن است با راننده یکی نباشد، لذا نیاز به بررسی فرض‌های اتحاد و تغایر دارنده با راننده است:

أ) وحدت دارنده و راننده وسیله نقلیه موتوری زمینی در بسیاری از موارد، مالک وسیله نقلیه، از آن بهره‌برداری می‌کند و خود، هدایت وسیله نقلیه را بر عهده دارد.

ب) تغایر دارنده و راننده وسیله نقلیه موتوری زمینی

دارنده وسیله نقلیه و راننده آن می‌تواند دو نفر باشد. تبصره (۲) ماده (۱) قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی، مقرر داشته است:

مسئولیت دارنده وسیله نقلیه، مانع از مسئولیت شخصی که حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل او است نمی‌باشد. در هر حال خسارت وارده از محل بیمه‌نامه وسیله نقلیه مسبب حادثه پرداخت می‌گردد.

ساده تر می‌توان گفت مسئولیت دارنده مانع از مسئولیت راننده نمی‌باشد. در این تبصره، «دارنده» از «راننده» تفکیک شده است. دارنده، مالک یا متصرف ناشی از منشأ مالکیت است و می‌توان تصور کرد که در رابطه با یک وسیله نقلیه در صورتی که مالکیت آن مشاع باشد با چند دارنده هم روبه‌رو باشیم، اما راننده که می‌تواند مالک و یا غیر مالک باشد، تنها می‌تواند یک نفر باشد.

در حالتی که مالک بر وسیله نقلیه سلطه معنوی دارد و آن را به طور موقت به راننده یا شخص دیگر می‌سپارد، مسئولیت مالک از بین نرود. یعنی لازم نیست که هنگام بروز حادثه مالک سلطه مادی بر وسیله نقلیه داشته باشد. (کاتوزیان، ۱۳۵۴: ۵۸)

درباره تعریف مفهوم «دارنده»، دو نظر مطرح است:

۱. «دارنده» در واقع کسی است که مدیریت و کنترل معنوی وسیله نقلیه را به عهده دارد و بر آن نظارت می‌کند، لذا کنترل مستقیم وسیله نقلیه در اختیار متصرف و راننده آن می‌باشد.

۲. «دارنده» از نظر این قانون، اعم از مالک یا متصرف وسیله نقلیه است. اگر چه از ظاهر ماده یک قانون بیمه اجباری استنباط می‌شود که دارنده مالک اتومبیل است، اما در مبحث تحلیلی این موضوع، با توجه به مبنای مسئولیت «محافظ اشیاء» دارنده اعم از مالک و غیرمالک یعنی «کسی که سلطه و سیطره فعلی بر اتومبیل» دارد شناخته می‌شود. (مهمان‌نوازان، ۱۳۸۹: ۱۱۴)

از نظر نگارنده، رابطه «دارنده» و «راننده» در میان نسبت‌های منطقی، عموم و خصوص من وجه می‌باشد و با توجه به این نکته که چنانچه قانونگذار، وحدت دارنده و راننده وسیله نقلیه را در تمامی موارد مدنظر می‌داشت در مقام تدوین قانون با در نظر گرفتن وسعت تأثیرگذاری و اهمیت آن، نیاز به استعمال واژه جدید و مبهمی نبود، لذا استعمال واژه دارنده وسیله نقلیه، غرض قانونگذار یعنی تمایز این دو (دارنده و راننده) را در مواردی روشن می‌سازد، لذا در این خصوص نمی‌توان به طور مطلق «دارنده» و «راننده» وسیله نقلیه را یکی دانست.

د) وسائل نقلیه

منظور از وسیله نقلیه، وسیله‌ای است که به طور کامل و به همراه راننده نقل مکان می‌کند؛ اعم از اینکه موتوری باشد یا نباشد. بنابراین دوچرخه، قایق پارویی، موتورسیکلت، خودرو، کشتی، قطار، مترو، هواپیما، بالگرد و امثال آنها از مصادیق وسایل نقلیه هستند. (آقائیا، ۱۳۹۲: ۳۷۹-۳۷۸)

۳. مسئولیت کیفری دارندگان وسایل نقلیه

أ) قانون مجازات اسلامی (قانون تعزیرات مصوب ۷۵)

مواد ۷۱۴ تا ۷۲۵ کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده ق.م. به جرایم ناشی از تخلفات رانندگی اختصاص دارد که موارد زیر به عنوان شاخصه‌های اصلی مسئولیت کیفری فرد، قابل طرح است:

۱. مجازات حبس و پرداخت دیه؛^۱

۱. ارتکاب قتل غیرعمدی (ماده ۷۱۴)؛ ایراد جرح منجر به مرض جسمی یا دماغی غیرقابل علاج و یا از بین رفتن یکی از حواس یا از کار افتادن عضوی از اعضای بدن که یکی از وظایف ضروری انسان را انجام می‌دهد (ماده ۷۱۵)؛ ایراد جرح منجر به تغییر شکل دائمی عضو یا صورت شخص یا سقط جنین (ماده ۷۱۵)؛ ایراد جرح منجر به صدمه بدنی (ماده ۷۱۶)؛ ایراد صدمه بدنی (ماده ۷۱۷).



۲. تشدید مجازات به بیش از دو سوم حداکثر مجازات حبس و پرداخت دیه حسب مورد؛^۱
۳. مجازات حبس؛^۲
۴. جزای نقدی؛^۳
۵. مجازات حبس یا جزای نقدی.^۴

ب) قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث (مصوب ۱۳۸۷)

توقیف وسیله نقلیه و پرداخت جریمه و رانندگی با وسایل نقلیه موتوری زمینی بدون داشتن بیمه‌نامه که در ماده ۱۹ به آن اشاره شده از آن جمله است.

تبصره (۳) ماده (۱) این قانون، هر نوع دیه یا ارش ناشی از صدمه، شکستگی، نقص عضو، از کارافتادگی (جزئی یا کلی - موقت یا دائم) یا دیه فوت شخص ثالث را خسارت

۱. مستی در زمان وقوع جرم (ماده ۷۱۸)؛ نداشتن پروانه در زمان وقوع جرم (ماده ۷۱۸)؛ حرکت زیادتر از سرعت مقرر در زمان وقوع جرم (ماده ۷۱۸)؛ به کار انداختن دستگاه موتوری با وجود نقص و عیب مکانیکی مؤثر در تصادف (ماده ۷۱۸)؛ عدم مراعات لازم در محل‌هایی که برای عبور پیاده‌رو علامت مخصوص گذارده شده است (ماده ۷۱۸)؛ رانندگی در محل‌هایی که عبور از آن ممنوع گردیده است (ماده ۷۱۸)؛ خودداری از کمک به مصدومی که احتیاج به کمک فوری داشته با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد از مأمورین انتظامی (ماده ۷۱۹)؛ ترک محل حادثه و رها نمودن مصدوم به منظور فرار از تعقیب (ماده ۷۱۹).

۲. تغییر در ارقام و مشخصات پلاک و وسایل نقلیه موتوری زمینی، آبی یا کشناورزی (ماده ۷۲۰)؛ به کارگیری پلاک تقلبی یا الصاق پلاک وسیله نقلیه موتوری دیگری به جای پلاک وسیله نقلیه خود (ماده ۷۲۰)؛ تغییر در شماره شاسی، موتور یا پلاک وسیله نقلیه موتوری و یا پلاک‌های موتور و شاسی که از طرف کارخانه سازنده حک یا نصب شده بدون تحصیل مجوز از راهنمایی و رانندگی و خارج کردن آن از صورت اصلی کارخانه (ماده ۷۲۰)؛ عدم انجام روال قانونی در صورت درخواست اوراق کردن وسیله نقلیه موتوری (ماده ۷۲۱).

۳. عدم اطلاع‌رسانی به نزدیک‌ترین مرکز نیروی انتظامی در صورت مفقود شدن یا سرقت وسیله موتوری یا پلاک آن (ماده ۷۲۲).

۴. رانندگی بدون گواهینامه (ماده ۷۲۳)؛ تصدی بدون گواهینامه وسایل موتوری که مستلزم داشتن گواهینامه مخصوص است (ماده ۷۲۳)؛ اقدام به رانندگی در صورتی که به موجب حکم دادگاه از رانندگی وسایل نقلیه موتوری ممنوع باشد (ماده ۷۲۳)؛ تغییر عمدی در دستگاه ثبت سرعت وسیله نقلیه (ماده ۷۲۴).



بدنی می‌داند و تبصره(۲) این ماده، بر مسئولیت شخصی که حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل او است، علاوه بر مسئولیت دارنده وسیله نقلیه تأکید می‌نماید.

مقدمات مسئولیت با جمع شدن عوامل زیر فراهم می‌شود:

۱. وجود آمر یا مقام صلاحیت‌داری که حق وضع هر قاعده و یا قانون و یا تکلیفی را دارا باشد؛

۲. وجود قواعد و مقررات مشروع قانونی و یا اجتماعی که مطابق آن، وظایف و تکالیف اطاعت‌کنندگان از قانون به خوبی مشخص و معلوم شده باشد؛

۳. وجود انسان مکلف و آگاهی که اهلیت لازم برای انجام یا خودداری از انجام ممنوعیت‌های قانونی را داشته باشد. (ولیدی، ۱۳۶۶: ۱۷)

وجود شرایطی چون میل و اراده آگاهانه مرتکب و تحقق قصد و میل مرتکب در خارج، که حاکی از سوء نیت یا ناشی از خطای وی باشد موجب مسئولیت کیفری مرتکب می‌گردد. بنابراین قوانینی که بدان اشاره شد با جمع شدن عوامل سه‌گانه ۱. وجود اوامر و نواهی قانونی، ۲. مشروعیت مقام واضح تکلیف، و ۳. آگاهی و اطلاع شخص از تکلیف و توانایی انجام یا ترک آن، به مسئولیت کیفری دارنده وسیله نقلیه موتوری در صورت تخطی از قوانین و ورود ضرر به دیگری اشاره دارند.

۴. مبانی فقهی مسئولیت کیفری دارندگان وسیله نقلیه

۱) کتاب

آیاتی که بر اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری دلالت می‌کنند با توجه به عموم آن‌ها، مسئولیت کیفری دارندگان وسیله نقلیه را نیز شامل می‌شوند.

یکم) بخش اول آیه ۱۶۴ سوره انعام

یکی از آیاتی که می‌تواند به عنوان مبنای اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری دارندگان وسیله نقلیه مورد استناد قرار گیرد، بخش اول آیه ۱۶۴ سوره انعام است. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: و هیچ کس جز بر زیان خود [گناهی] انجام نمی‌دهد. (انعام:

۱/۱۶۴)

۱. وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا.



مطابق این آیه، هر کسی هر فعلی انجام دهد، مسئولیت آن فعل برعهده اوست و نمی توان مسئولیت آن را برعهده شخص دیگری قرار داد، بنابراین چنانچه شخصی مرتکب فعل حرامی شود نمی توان مسئولیت آن را بر عهده دیگران قرار داد، زیرا آن شخص به ضرر خود اقدام به انجام آن فعل کرده است. عمومیت آیه، مسئولیت کیفری دارندگان وسایل نقلیه موتوری در صورت بروز خطا را در بر می گیرد.

دوم) بخش دوم آیه ۱۶۴ سوره انعام و آیه ۱۸ سوره فاطر

در این دو فراز از آیات شریفه آمده است: و هیچ فردی بار [گناه] دیگری را برعهده نمی گیرد. (انعام: ۱۶۴؛ فاطر: ۱۸)^۱ یکی از آیاتی که می تواند به عنوان مبنای اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری ذکر شود قسمت دوم آیه ۱۶۴ سوره انعام و آیه هجدهم سوره مبارکه فاطر است. اصل عدالت چنین اقتضا می کند که هر کسی هر فعلی انجام دهد مسئولیت آن فعل برعهده خود او باشد و مسئولیت آن برعهده دیگری نباشد، مگر اینکه خود شرع استثنایی بر این اصل ذکر کرده باشد. در مسئله مسئولیت کیفری دارندگان وسایل نقلیه باید گفت چنانچه وسیله نقلیه شخصی، موجبات ضرر فردی شده باشد، بر اساس این آیات باید مسئولیت افعال انجام شده را بر عهده دارنده نقلیه دانست.

سوم) آیه ۱۲۳ سوره نساء

در آیه ۱۲۳ سوره مبارکه نساء آمده است: هر کس بدی کند در برابر آن کیفر می بیند. (نساء: ۱۲۳).^۲ خداوند در این آیه فرموده است که ملاک برتری یک فرد بر فرد دیگر صرفاً اعمال آنان است و قومیت ملاک برتری نیست. تعبیر «يُجْزَى بِهِ» شامل جزای دنیوی، یا اخروی یا هر دو می باشد.

نکته دیگری که از آیه فوق قابل استناد است، این نکته است که در مکتب وحی همه در برابر قانون برابرند و هرکسی قانون را نقض کند باید در قبال فعل خود پاسخگو باشد. بنابراین هرگاه دارنده وسایل نقلیه با وسیله نقلیه خود مرتکب فعلی شود که موجبات ضرر جانی و مالی دیگری شود باید مسئولیت آن را برعهده بگیرد، زیرا اصل عدالت اقتضای این مهم را دارد.

۱. وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى.

۲. مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ.

ب) سنت

یکم) مسئولیت راننده در صورت عدم کنترل وسیله نقلیه با وجود توانایی انجام آن

۱. دیدگاه علمای شیعه

در روایت است که آنجا که راکب(راننده) امکان کنترل مرکب(وسیله نقلیه) خویش را داشته باشد و مرکب خود را کنترل ننماید و مرکب او به عابر پیاده صدمه وارد کند، راکب ضامن است:

کسی که سوار بر حیوانی است، چنانچه حیوان با دستش جنایتی بر کسی وارد کند و آن فرد بمیرد، ضامن است و اگر حیوان با پایش جنایتی را بر فردی وارد کند بر فرد راکب، ضمانی نیست. مگر آنکه ضربه‌ای به حیوان زده باشد که به خاطر آن ضربه حیوان رم کند، در این صورت ضامن جنایت است.(طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰: ۲۲۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹: ۲۴۷؛ تبریزی، ۱۴۲۸ق: ۱۰۳؛ خوبی، ج ۴۲: ۳۱۳-۳۱۲؛ شهیدثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰: ۱۶۱)^۱

به عبارت دیگر، شخص سواره ضامن جنایتی است که مرکب او با دست‌ها و سر وارد می‌آورد، نه پاها و نیز کسی که چهارپا را از جلو می‌کشد همین طور است و تنها ضامن جنایت دست‌ها و سر حیوان است و کسی که سر حیوان را از عقب حرکت می‌دهد، ضامن هر خسارتی است که حیوان وارد می‌آورد. همین طور اگر سوار یا کسی که حیوان را از جلو هدایت می‌کند چهارپا را متوقف نماید، ضامن تمام خسارت وارد شده توسط چهارپا است.(شهیدثانی، ۱۳۸۶: ۶۶۱؛ شمس‌الائمه سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۶: ۱۸۹-۱۸۸).^۲

۲. علمای اهل سنت

شمس‌الائمه سرخسی از علماء بزرگ حنفی با شهید ثانی، مبنی بر ضمانت شخص سواره در جنایاتی که مرکب او با دست‌ها و سر وارد می‌آورد(نه پاها) هم‌نظر است.(شمس‌الائمه سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۶: ۱۸۹-۱۸۸)^۳ اما ابن قدامه در این خصوص قائل به

۱. و من ركب دابة فأصاب يدها إنسانا فمات من ذلك كان ضامنا لدبته فإن رحمة برجلها لم يكن عليه ضمان إلا أن يكون ضربها فرمحت فيضمن ما جنته حينئذ.

۲. وَإِذَا سَارَ الرَّجُلُ عَلَى دَابَّةٍ أَى الدَّوَابِّ كَانَتْ فِي طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ... فَدَبَّتْهُ عَلَى عَاقِلَةِ الرَّأْبِ.

۳. وَإِذَا سَارَ الرَّجُلُ عَلَى دَابَّةٍ أَى الدَّوَابِّ كَانَتْ فِي طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ... فَدَبَّتْهُ عَلَى عَاقِلَةِ الرَّأْبِ.



تفصیل شده و تنها در خصوص ایراد جنایت با دست حیوان راکب را ضامن ضرر جانی، بدنی و مالی دانسته و این قول را به شریح و ابوحنیفه و شافعی نسبت داده است. (ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۹: ۱۹۰-۱۸۹)^۱ البته وی از قول مالک عدم ضمان را بیان کرده است (همان: ۱۹۰)^۲ در اینجا مستند قول مالک، روایتی است که در آن خون شخصی را که اسب شخصی، وی را لگد زده و زخمی کرده، هدر می‌داند، اما زحیلی بدون آنکه بین دست و پای مرکوب تفصیلی قائل شود راکب را مسئول می‌داند. (زحیلی، بی‌تا، ج ۷: ۵۷۸۲).^۳

اگرچه این‌گونه روایات در خصوص وسیله نقلیه امروزی صادر نشده‌اند، اما با در نظر گرفتن ملاک آن و تعمیم آن به موارد دیگر، می‌توان پرداخت خسارت را تعمیم داد. ضمن آنکه راننده وسیله نقلیه به خلاف راکب کنترل کامل وسیله نقلیه را در دست داشته و با رعایت اقدامات لازم و مقررات ایمنی، می‌تواند جلو ایجاد خسارت را بگیرد.

دوم) لزوم پرداخت دیه در قتل خطای محض

۱. دیدگاه علمای شیعه

اساساً در جنایت نسبت به نفس که یکی از موارد آن در تصادفات رانندگی است، با توجه به اهمیت این نوع جنایات، حتی در خطای محض نیز شارع مسئولیت کیفری را منتفی نمی‌داند و برای آن دیه مقرر شده است و متعاقباً در قانون مجازات نیز قانونگذار آن را به عنوان یکی از قانون‌های جزایی پذیرفته است. (کلاتتری و دیگران، ۱۳۶۹: ۵-۴)

این مسئله در *وسائل الشیعه* این‌گونه بیان شده است: «اگر دو اسب سوار با یکدیگر برخورد کنند و هر دو اسب (مرکب) بمیرند یا معیوب شوند بر هر یک از آن دو، نصف قیمت اسب دیگری است یا نصف ارش است». (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ۲۶۱).^۴ همچنین از نظر علمای شیعه، در جایی که هر دو راکب یا یکی از آن دو در برخورد و تصادم با یکدیگر فوت نمایند، دیه به طور کل منتفی نشده است:

۱. وَمَا جَنَّتِ الدَّابَّةُ بِيَدِهَا، ضَمِنَ رَاكِبُهَا مَا أَصَابَتْ مِنْ نَفْسٍ، أَوْ جُرْحٍ، أَوْ مَالٍ... وَمَا جَنَّتِ بَرِّجَهَا، فَلَا ضَمَانَ عَلَيْهِ.

۲. وَقَالَ مَالِكٌ: لَا ضَمَانَ عَلَيْهِ.

۳. ويضمن الرَّاكِبُ أَوْ الْقَائِدُ أَوْ السَّائِقُ مَا وَطَّئَتْ دَابَّتُهُ بِيَدِ أَوْ رَجُلٍ أَوْ رَأْسٍ.

۴. لو تصادم فارسان فمات الفرسان أو تعيَّباً فعلى كلِّ واحد منهما نصف قيمة فرس الآخر أو نصف الأرش.



اگر دو کودک با اجازه و اختیار خود و یا با اجازه ولی خود که اذن راکب اصلی است، سوار بر اسب شوند و با یکدیگر برخورد نمایند و هردو کودک بمیرند بر عاقله هر یک از آن دو نصف دیه دیگری است. (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲: ۲۸۴)^۱

و نیز

اگر دو اسب سوار به یکدیگر برخورد کنند و یکی از آن دو بمیرد، راکبی که زنده مانده است ضمان نصف دیه مقتول است و نصف دیگر دیه، هدر است، چرا که نصف دیگر مستند به فعل خود مقتول بوده که در آن، ضمانی بر دیگری نیست. (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲: ۲۸۵)^۲

البته جایی که راکب هیچ‌گونه اراده‌ای در دفع ضرر نداشته باشد و تصادم و برخورد، سهواً صورت پذیرد از مصادیق قتل خطای محض خواهد بود:

اگر مرکب، راکب را به طرفی پرت کند که انسانی عبور می‌کرده است و از قضا به عابر برخورد کند، دیه جنایت بر عاقله راکب است و در این مسئله بین فقها اختلافی نیست، چرا که قتل خطای محض است. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰: ۲۰۷؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲: ۲۸۶)^۳

۲. دیدگاه علمای اهل سنت

ابن قدامه در صورت برخورد دو راکب، با هم و فوت یا معیوب شدن هر دو مرکب، قول حر عاملی را پذیرفته و آن را به مالک و شافعی نیز نسبت داده است (ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۹: ۱۹۱)^۴ اما زحیلی در این رابطه در ابتدا ضمان را در کل نفس و بر عاقله لازم دانسته است و سپس تصادم خطایی را از آن جدا کرده و در آن نصف قیمت را ضامن دانسته است. (زحیلی، بی‌تا، ج ۷: ۵۷۸۹-۵۷۸۸)^۵

۱. إذا اصطدم صبیان راکبان... فماتا فعلى عاقله كل منهما نصف دية الآخر.

۲. إذا اصطدم فارسان فمات أحدهما دون الآخر ضمن الآخر نصف دية المقتول و النصف الآخر منها هدر.

۳. لو رمى إلى طرف قد يمر فيه إنسان فأصاب عابراً اتفاقاً، فالدية على عاقله الرامى.

۴. وَإِذَا اصْطَدَمَ الْفَارِسَانِ، فَمَاتَتِ الدَّابَّتَانِ، ضَمِنَ كُلُّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا قِيَمَةَ دَابَّةِ الْآخَرِ.

۵. إذا تصادم راکبان أو فارسان... و جب على كل واحد منهما عند الحنفية والحنبلة حمل تبعه الضمان كاملة

للآخر لكن فى الموت تتحمل عاقله كل واحد منهما دية الآخر.



سرخسی از علمای حنفی مذهب در کتاب مبسوط خود در خصوص تصادم دو راکب با یکدیگر و فوت هر دو یا یکی از آن‌ها، دیه را بر عاقله دانسته است. (شمس‌الائمه سرخسی ۱۴۱۴ق، ج ۲۶: ۱۹۰)^۱

در رابطه با مسئولیت کیفری به ویژه در بحث جنایت علیه نفس و اعضاء با توجه به تشریح نظام دیه در قتل خطا، می‌توان قائل به مسئولیت مطلق کیفری بود. بنابراین عدم ضمان راننده به این معنا که دیه منتفی شود، بی‌معناست؛ مگر در دو مورد تقصیر مشترک و زمانی که تقصیر عابر، تقصیر راننده را پیوشاند. (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۳)

سوم) مسئولیت راننده در صورت عدم رعایت قوانین و مقررات

۱. دیدگاه علمای شیعه

لازم است رانندگان وسایل نقلیه در مسیر مشخص و تعیین شده حرکت نموده و از رفتارهای پرخطر حین رانندگی اجتناب نمایند. در روایت آمده است که در حکومت مهدوی علیه السلام رانندگان و عابرین پیاده موظف‌اند تا در مسیر تعیین شده حرکت نمایند.

از امام موسی کاظم علیه السلام نقل شده است هنگامی که قائم علیه السلام ظهور کند، دستور می‌دهد: ای گروه سواران، از میانه راه حرکت کنید و ای گروه پیادگان از کناره راه بروید. اگر سواره‌ای از پیاده‌رو برود و به دیگری آسیب برساند، او را به پرداخت دیه محکوم می‌کنم و اگر عابر پیاده‌ای از وسط راه حرکت کند و به او آسیبی وارد شود، دیه او بر عهده کسی نیست. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰: ۳۱۴)^۲

بر اساس این روایت، استفاده از خیابان و جاده باید بین راننده و عابر پیاده تقسیم شود و همان گونه که امروز رایج است وسط خیابان ویژه عابر سواره و دو طرف خیابان ویژه عابر پیاده گردد تا هر کدام بتوانند طبق سرعت مورد نظر حرکت کنند. اگر هر کدام از مسیری که برای او تعیین شده، تجاوز کرد و موجب حادثه شد، ضامن است. (بهریزی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۳)

همچنین مواردی چون سوار نمودن کودک بدون اذن ولی، از جمله مصادیق زیر پا گذاشتن موازین قانونی، محسوب و موجب ایجاد ضمان برای فرد می‌شود، چرا که مسئولیت وی بر عهده ولی قرار داده شده است، لذا چنان چه کودک بدون اجازه ولی، در ارتباط با سایر افراد قرار گرفته و در این راستا جنایتی بر وی وارد آید، فردی که به طور

۱. وَإِذَا اصْطَدَمَ الْفَارِسَانُ... فَمَا تَا فَعَلَى عَاقِلَةٍ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا دِيَةٌ صَاحِبِهِ.

۲. يَا مَعْشَرَ الْفُرْسَانِ سِيرُوا فِي وَسْطِ الطَّرِيقِ... فَأَصَابَ رَجُلًا عَيْبَ الزَّمَانِ الدِّيَّةَ.



فضولی اقدام نموده است، مسئول شناخته می شود. همچنان که در کتاب تکملة المنهاج چنین آمده است:

اگر شخصی کودک را بدون اذن ولی او بر حیوان (مركب) سوار کند و حیوان در معرض سقوط قرار گیرد و کودک بیفتد و بمیرد راکب ضامن ديه کودک است. (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲: ۳۱۹)^۱

۲. دیدگاه علمای اهل سنت

سرخسی عاقله مالک حیوان را در جایی که انسان حیوان خود را در طریق مسلمین یا مکانی که در ملکیت وی نیست و حیوان به شخصی آسیبی برساند، مسئول قلمداد کرده است. (شمس الاثمه سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۶: ۱۹۰)^۲ در خصوص توقف در غیرمکان تعیین شده، ابن قدامه از علمای حنبلی مذهب نیز راکب را ضامن دانسته است. (ابن قدامه، ۱۳۸۸، ج ۹: ۱۹۱)^۳

زحیلی نیز بنا را بر ضمان راکب گذاشته و دلیل آن را لزوم انتفاع مردم از راههای تعیین شده بر مبنای عدل و امنیت و استقرار دانسته است (زحیلی، بی تا، ج ۷: ۵۷۸۱)^۴ و در جای دیگر، علت ضمان را عدم اذن بر توقف و به عبارتی تخلف از قوانین و مقررات تعیین شده می داند. (همان: ۵۷۸۳)^۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. لو أركب صبيّاً بدون اذن الولي على دابة و كان في معرض السقوط فوقع فمات ضمن ديته.
۲. وَإِذَا أَوْقَفَ دَابَّتَهُ فِي طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ، أَوْ فِي دَارٍ لَّا يَمْلِكُهَا بغيرِ إِذْنِ أَهْلِهَا فَمَا أَصَابَتْ يَدَهُ، أَوْ رِجْلَهُ، أَوْ ذَنْبَهُ، أَوْ كَدَمَتْ، أَوْ سَالَ مِنْ عَرَقِهَا، أَوْ لَعَابِهَا عَلَى الطَّرِيقِ فَزَلِقَ بِهِ إِنْسَانٌ فَضْمَانُ ذَلِكَ عَلَى عَاقِلَتِهِ.
۳. وَإِنْ وَقَفَتِ الدَّابَّةُ فِي طَرِيقِ ضَيْقٍ، ضَمِنَ مَا جَنَّتْ يَدَهُ أَوْ رِجْلَهُ أَوْ قَمَّهُ؛ لِأَنَّهُ مُتَعَدِّ بِوَقْفِهَا فِيهِ، وَإِنْ كَانَ الطَّرِيقُ وَاسِعًا، فَفِيهِ رَوَابِتَانِ؛ إِحْدَاهُمَا، يَضْمَنُ.
۴. ما لا يمكن الاحتراز عنه لا ضمان فيه. معناها أن كل ما يشق البعد عنه لا يكون سبباً موجباً للضمان.
۵. ويضمن صاحب الدابة ما تتلفه بالوطء والصدمة ونحوهما إذا أوقفها في الطريق العام أو المحجّة (جاده الطريق) التي لم يؤذن فيها بالوقوف، أو على باب المسجد لأنه متعد في الوقوف.



چهارم) عدم مسئولیت دارنده وسیله نقلیه در صورت عدم افراط و تفریط

۱. دیدگاه علمای شیعه

در قانون راهنمایی و رانندگی برای دارنده وسیله نقلیه، تعهداتی مشخص شده است و تا زمانی که وی، در چارچوب تعهدات و وظایف تعیین شده، اقدام نماید، در خصوص حوادث پیش آمده، متخلف محسوب نمی‌گردد.

از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که اسب مردی از اهل یمن بر مردی گذشت و با پایش ضربه‌ای به مرد وارد کرد. اولیای مقتول نزد امام علی علیه السلام آمدند و ادعای خونخواهی کردند. امام علیه السلام صاحب اسب را خواست و صاحب اسب شاهی اقامه کرد مبنی بر آنکه اسب از خانه اش گریخته و بر مرد جنایت را وارد کرده است، امام علی علیه السلام خون مقتول را باطل اعلام کرد. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹: ۲۵۷)^۱

اگر راکب از عبور خود خبر داده و هشدار داده است و عابر، عبور کرده در حالی که راکب جاهل به وضعیت عابر بوده و به او برخورد کرده و عابر بمیرد، چیزی بر راکب نخواهد بود. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰: ۲۰۸؛ شهیدثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰: ۱۲۰؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲: ۲۸۶)^۲ همچنین اگر بتوان تلف را به چیز دیگری مانند وزش باد و مانند آن مستند ساخت، راکب ضامن چیزی نمی‌باشد، چرا که تلف، مستند به او نمی‌شود تا بر او ضمانی باشد. (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲: ۲۸۴)^۳

اگر حیوان (مرکب)، راکب خود را بیندازد و راکب بمیرد یا مجروح شود، ضمانی بر مالک حیوان نیست و این عدم ضمان مالک، به دلیل عدم استناد عمل به او و وجود رابطه سببیت بین فعل حیوان و مالک است (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲: ۳۱۷)^۴ و آنجا که این رابطه سببیت وجود نداشته باشد، مالک ضامن نخواهد بود، لذا هرگاه صاحب چهارپا همراه حیوان و مراقب آن باشد، ضامن نیست و مسئولیت مالک بسته به این است که آن را از جلو حرکت می‌دهد یا از پشت؛ ولی اگر مالک مراقب چهارپا نباشد و هدایت آن بر عهده سوار باشد، تنها سوار ضامن است، نه مالک. (شهید ثانی، ۱۳۸۶: ۶۶۱)

۱. قَالَتْ فَرَسٌ لِرَجُلٍ فَمَرَّ بِرَجُلٍ فَنَفَعَهُ بِرِجْلِهِ فَقَتَلَهُ... فَأَبْطَلَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَمَ صَاحِبِهِمْ.

۲. و إن كان الرامي قد أخبر من يريد العبور... فأصابه الرمي فقتله لم يكن عليه شيء.

۳. و أما إذا استند إلى أمر آخر كإطارة الريح و نحوها مما هو خارج عن اختيار الفارس لم يضمن شيئاً.

۴. إذا ألتقت الدابة راکبها فمات أو جرح فلا ضمان على مالکها.

۲. دیدگاه علمای اهل سنت

حنفیان نیز در موردی که اسب مرد یمنی از خانه‌اش گریخته و موجب فوت کسی شود، ضمان را از صاحب حیوان منتفی دانسته‌اند. (شمس‌الائمه سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۶: ۱۹۲)^۱

زحیلی در جایی که تلف جان یا مال به دلیلی که مستند به راکب نباشد همچون ورزش باد، ضمانی را بر راکب لازم نمی‌داند، چرا که احتراز از آن را غیرممکن می‌داند. (زحیلی، بی تا، ج ۷: ۵۷۸۲-۵۷۸۳)^۲

سرخسی از علمای حنفیه عدم افراط و تفریط را شرط استیفای حق راکب مبنی بر عبور از محل تعیین شده می‌داند. (شمس‌الائمه سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۶: ۱۸۸) آن چنان که پیداست در این مسئله، نظر علمای شیعه و اهل سنت، کاملاً با یکدیگر مطابقت داشته و آنان، وجود رابطه سببیت بین فعل راکب و نتیجه و افراط و تفریط وی را در ضمان یا عدم ضمان راکب مؤثر می‌دانند.

ج) عقل

بنا بر حکم استقلالی عقل، عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی که موجب ایجاد خطر برای شهروندان می‌گردد، ظلم به آنان محسوب می‌گردد و هرگونه ظلمی قبیح است و در صورتی که تخلف، منجر به تضییع حق فردی شود مانند آنکه منجر به قتل یا حرج وی شود از مصادیق بارز حق الناس بوده و لازم است به طریق مقتضی، جبران شود. - عدم رعایت قوانین رانندگی، ظلم به حقوق دیگران و شهروندان حکومت اسلامی می‌باشد. (صغری)

- به حکم عقل، ظلم قبیح و مذموم تلقی می‌گردد. (کبری)

- بنابراین، عدم رعایت قوانین رانندگی موجب ضرر به شهروندان شده و قبیح و مذموم است. (نتیجه)

به عبارت دیگر به مقتضای حکم عقل، اینکه گروهی با عدم رعایت قوانین باعث تخریب اموال عمومی یا ضرر جانب به خود یا شهروندان گردند مصادیق بارز ظلم به

۱. إِذَا أَوْقَفَ الرَّجُلُ دَابَّتَهُ فِي مَلِكِهِ فَمَا أَصَابَتْ يَدَهُ، أَوْ رِجْلَهُ، أَوْ غَيْرَ ذَلِكَ فَلَا ضَمَانَ عَلَيْهِ فِيهِ.

۲. وَلِأَنَّ الْاِحْتِرَازَ عَنْهُ لِقَوْلِهِ ﷺ: الرَّجُلُ جَبَّارٌ.

۳. إِنَّمَا سِيرَهَا فِي الطَّرِيقِ الَّذِي يُمَكِّنُهُ أَنْ يَسِيرَ فِيهِ... ثُمَّ سَارَتْ فِيهِ بِرِيءِ الرَّجُلِ مِنَ الضَّمَانِ إِذَا.



شهروندان حکومت اسلامی است که با وجوب رعایت عدالت در تنافی می‌باشد. از طرفی عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، مصداق تخلف از حق الناس است. (بخردیان و عطار، ۱۳۹۴: ۱۳۳-۱۳۴)

د) قواعد فقهی

یکم) قاعده لاضرر

یکی از قواعد معروف فقهی که در مباحث مختلف فقه و حقوق آثار فراوانی به همراه دارد، قاعده «لاضرر» می‌باشد. در نحوه دلالت قاعده لاضرر و مفاد آن و همچنین اینکه «لا» چه نوع «لایی» است میان فقها اختلاف نظر است، به گونه‌ای که پنج نظر متفاوت در خصوص آن وجود دارد:

۱. نظر اول توسط فاضل تونی بیان شده است مبنی بر اینکه نفی ضرر غیر متدارک است. بنا بر نظر ایشان، کلمه «لا» در حدیث به معنای نفی است و در متن حدیث باید عبارت «غیر متدارک» در تقدیر گرفته شود. پس در معنای حدیث باید گفت منظور از نفی ضرر، نفی ضرر بدون جبران است.

۲. نظر دوم، نظر امام خمینی علیه السلام است که مفاد قاعده را نهی از وارد کردن ضرر به صورت حکم مولوی حکومتی می‌داند و در مورد حدیث، «لاضرر و لاضرار» معتقد است حدیث به معنای نهی از ضرر می‌باشد. یعنی نهی مولوی حکومتی که عبارت از وارد کردن ضرر بر دیگری است.

۳. نظریه سوم از محقق اصفهانی است. ایشان معتقد است مدلول روایت، نهی از وارد کردن ضرر به دیگری (یا به صورت مطلق حتی بر خویش) است.

۴. نظریه چهارم نظر آخوند خراسانی است؛ ایشان بر این اعتقاد است که مدلول روایت نفی حکم ضرری به وسیله نفی موضوع ضرری است. ظاهر این است که ضرر به چیزی اطلاق می‌شود که در مقابل نفع باشد.

۵. نظریه پنجم نظر شیخ انصاری که معتقدند مدلول روایت، نفی حکم ضرری است. در مورد قاعده لاضرر (حدیث لاضرر و لاضرار) معتقد است هر حکمی که از سوی شارع وضع گردد و مستلزم ضرر باشد و یا اینکه به خاطر جعل حکمی بر بندگان ضرری وارد می‌شود، چه ضرر بر شخص مکلف باشد یا بر دیگری، در اسلام نفی شده است. (فرحی، ۱۳۹۰: ۶۹۵-۶۹۴)



طبق این اصل، هیچ‌کس نباید به دیگری ضرری بزند و هیچ ضرری هم نباید جبران نشده باقی بماند، البته مصادیق ضررهای ناشی از روابط اجتماعی بسیار است. ممکن است به صورت ضرر مالی، جانی، معنوی و یا اجتماعی ظهور کند و نیز ممکن است ناشی از وقوع جرم یا شبه‌جرم و یا سایر عقود و قراردادهای و یا حتی خارج از آنها باشد. (ولیدی، ۱۳۶۶: ۱۲۵) همین که زیان وارد شده ناروا و قابل انتساب به فعل زیانبار شخصی باشد، از نظر فقه اسلامی آن شخص مسئول جبران خسارت وارده به زیان‌دیده می‌باشد و صرف اینکه از نظر عرف بتوان اضرار ناروایی را به کسی نسبت داد، او ضامن جبران خسارت است. (فکوری، ۱۳۹۰: ۹۷)

قانونگذار، دارنده وسیله نقلیه موتوری را مکلف به نگهداری آن کرده است؛ به گونه‌ای که باعث ضرر دیگران نشود. تعهد دارنده وسیله نقلیه، تعهد به نتیجه است. یعنی باید از اضرار به دیگران پرهیز کند. وقوع حادثه زیانبار به منزله تخلف از تعهد قانونی محافظت و در نتیجه نوعی تقصیر است. در این باره است که قانون فرض می‌کند دارنده اتومبیل آن را به طور شایسته محافظت نکرده و علت خارجی در آن دخالت نداشته است. (کاتوزیان، ۱۳۵۴: ۵۵)

بنابراین در اینجا از باب قاعده لاضرر، جبران خسارت و ضرر، امری لازم بوده و خطایی بودن آن، مانع از تحقق مسئولیت کیفری برای وی نخواهد بود. به نظر می‌رسد «لا»ی موجود در قاعده لاضرر، چنان که شیخ الشریعه اصفهانی گفته است دال بر نهی از وارد کردن ضرر بر دیگری است. بنابراین طبق این قاعده نباید هیچ شخصی بر دیگران ضرری وارد کند و در صورت ورود ضرر، باید آن را جبران کند.

دوم) قاعده اتلاف

این قاعده از مسلمات فقه اسلامی و مورد اتفاق تمام فقهای اسلامی است و کسی با آن مخالفتی نکرده است. (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۶۱؛ بجنوردی، بی‌تا، ج ۲: ۱۷؛ جمعی از مؤلفان، بی‌تا: ۲۶۰)

طبق این قاعده، هر کسی موجبات تلف چیزی را فراهم آورد لاجرم مسئولیت و ضمان آن برعهده وی خواهد بود و باید آن را جبران کند. از نظر فقه اسلامی وقوع فعل عمدی یا غیرعمدی، شرط تحقق اتلاف نیست، بلکه به محض ورود خسارت، اعم از جانی یا مالی، زیان دیده می‌تواند جبران آن را از فاعل زیان یا عامل جرم مطالبه کند. برای اثبات اتلاف کافی است که عرفاً بتوان بین فعل شخص و نتیجه حاصله، رابطه علیت مستقیم را احراز کرد. (ولیدی، ۱۳۶۶: ۱۳۱-۱۳۰)



بنابراین از باب قاعده اتلاف لازم است متخلف بلافاصله پس از جنایت بر نفس یا اعضای ناشی از حوادث رانندگی، نسبت به جبران آن اقدام نماید.

سوم) قاعده «من له الغنم فعليه الغرم»

«من له الغنم فعليه الغرم»، یعنی هرکس که غنم و منفعت برای اوست، غرم و خسارت نیز بر عهده او خواهد بود. البته متن چنین قاعده‌ای نه در مصادر حدیثی عامه وارد شده است و نه در مصادر حدیثی امامیه. با این حال ارجاع به قاعده مذکور در مبحث ملازمه بین نماء و درک اموال در کلام برخی از بزرگان فقه یافت می‌شود. (علوی قزوینی و مسعودیان زاده، ۱۳۹۳: ۷۵)

این قاعده بدین معناست که هرکس از چیزی بهره می‌برد، خسارت هم به عهده اوست. به عبارت دیگر، از آنجا که راننده بدون گواهینامه برای کسب منفعت از اتومبیل اقدام به رانندگی می‌کند، طبق این قاعده باید از عهده خسارت‌های وارده به دیگران هم برآید. (صفری، ۱۳۸۹: ۱۹۳)

پنجم) اصل عدالت

یکی از مبانی مسئولیت اعم از مدنی و کیفری در حقوق اسلام، رعایت اصل عدالت است که در همه قواعد فقهی ظاهر است و لازم‌الرعايه می‌باشد. در حقیقت اصل عدالت در فقه اسلامی مکمل بنیاد ضمان است، زیرا قانونگذار اسلام هیچ صدمه و زیانی را جبران نشده باقی نمی‌گذارد هرچند که عامل آن جرم، مقصر نباشد (ولیدی، ۱۳۶۶: ۱۳۵)، پس هرگاه فردی از افراد جامعه، بدون جهت به جان و مال دیگری تعرض و تجاوز کند و به زبان حقوق کیفری «هرگاه فردی مرتکب جرمی شود» عدالت در مفهوم قضایی آن که به معنی احقاق حق در جامعه و دادن حق به صاحب حق است ایجاب می‌کند که قاضی و حاکم به دستور آیه شریفه «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸) از روی عدل به فصل حکومت و تعیین میزان کیفر و جبران زیان وارده به مجنی‌علیه مبادرت ورزیده به صدور حکم اقدام کند. (ولیدی، ۱۳۶۶: ۱۳۹)

نتیجه‌گیری

واژه «دارنده» در قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث (مصوب ۱۳۸۷) ابهام دارد، چرا که مقصود از دارنده، مالک



اتومبیل است که گاهی ممکن است با راننده یکی باشد و گاهی ممکن است با راننده یکی نباشد.

با بررسی قوانین موجود، مسئولیت کیفری دارندگان وسایل نقلیه، مسئولیت کیفری دارندگان وسایل نقلیه در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، مواردی چون مجازات حبس و پرداخت دیه، جزای نقدی و... و در قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث (مصوب ۱۳۸۷) توقیف وسیله نقلیه و پرداخت جریمه می‌باشد.

آیاتی که بر اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری دلالت می‌کنند با توجه به عموم آن‌ها، مسئولیت کیفری دارندگان وسیله نقلیه موتوری در صورت بروز خطا را شامل می‌شوند.

بنا بر روایت، از نظر علمای شیعه آنجا که راکب (راننده) امکان کنترل مرکب (وسيله نقلیه) خویش را داشته باشد و مرکب خود را کنترل نماید و مرکب او به عابر پیاده صدمه وارد کند، راکب ضامن است، چرا که راکب در خصوص مرکب خود ضامن است. شمس الائمه سرخسی از علمای بزرگ حنفی با شهید ثانی در ضمانت شخص سواره در جنایاتی که مرکب او با دست‌ها و سر وارد می‌آورد، هم‌نظر است، اما مالک، عدم ضمان، و زحیلی، بدون آنکه قائل به تفصیل شود، راکب را مسئول دانسته است.

بنا بر نظر علمای شیعه حتی در جنایت خطای محض نیز شارع مسئولیت کیفری را منتفی ندانسته است و برای آن دیه مقرر شده است. بنا بر روایت زمانی که دو راننده با یکدیگر برخورد می‌نمایند که منجر به قتل یا جرح هر دو و یا یکی از آن دو می‌گردد هر دو راننده در تقصیر پیش آمده، مسئولیت دارند و ملزم به پرداخت دیه می‌باشد. البته جایی که راکب هیچ‌گونه اراده‌ای در دفع ضرر نداشته باشد و تصادم و برخورد، سهواً صورت پذیرد از مصادیق قتل خطای محض خواهد بود. ابن‌قدامه در این مورد، قول علمای شیعه از جمله حر عاملی را پذیرفته و آن را به مالک و شافعی نیز نسبت داده است. سرخسی عالم حنفی مذهب نیز در خصوص تصادم دو راکب با یکدیگر و فوت هر دو یا یکی از آن‌ها، دیه را بر عاقله دانسته است.

در حکومت مهدوی علیه السلام رانندگان و عابرین پیاده موظف‌اند تا در مسیر تعیین شده حرکت نمایند. بنابراین لازم است هر یک از راننده و عابر پیاده از مسیر تعیین شده خود



حرکت نمایند تا هر کدام بتوانند طبق سرعت مورد نظر حرکت کنند. همچنین مواردی چون سوار نمودن کودک بدون اذن ولی، از جمله مصادیق زیرپا گذاشتن موازین قانونی در امامیه محسوب و موجب ایجاد ضمان بر فرد دانسته شده است. در خصوص توقف در غیرمکان تعیین شده، سرخسی، عاقله مالک حیوان و ابن قدامه، راکب را مسئول می‌داند. زحیلی، دلیل ضمان را لزوم انتفاع مردم از راه‌های تعیین شده بر مبنای عدل و امنیت و استقرار و در جای دیگر، عدم اذن بر توقف و به عبارتی تخلف از قوانین و مقررات تعیین شده بیان نموده است.

طبق نظر علمای شیعه، راننده در صورت اقدام در چارچوب تعهدات و وظایف تعیین شده و عدم افراط و تفریط، در خصوص حوادث پیش آمده، متخلف محسوب نمی‌شود. همچنان که در روایت آمده است اگر راکب از عبور خود خبر داده و هشدار داده است و عابر، عبور کرده درحالی که راکب، جاهل به وضعیت عابر بوده و به او برخورد کرده و عابر بمیرد چیزی بر راکب نخواهد بود. حنفیان نیز در خصوص این موضوع با امامیه هم نظر هستند. سرخسی نیز عدم افراط و تفریط را شرط استیفای حق راکب مبنی بر عبور از محل تعیین شده می‌داند.

بنا بر حکم استقلالی عقل، عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی که موجب ایجاد خطر برای شهروندان می‌گردد، ظلم به آنان محسوب می‌شود و لازم است به طریق مقتضی، جبران شود.

با توجه به آنکه قانونگذار، دارنده وسیله نقلیه موتوری را مکلف به نگهداری آن کرده است به گونه‌ای که باعث ضرر دیگران نشود، بنابراین از باب قاعده لاضرر، جبران خسارت و ضرر، امری ضروری محسوب می‌گردد.

بنا بر قاعده اتلاف، لازم است متخلف بلافاصله پس از جنایت بر نفس یا اعضای ناشی از حوادث رانندگی، نسبت به جبران آن اقدام نماید.

بنابر قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم»، از آنجا که راننده بدون گواهینامه برای کسب منفعت از اتومبیل، اقدام به رانندگی می‌کند، طبق این قاعده باید از عهده خسارت‌های وارده به دیگران هم برآید.

بنابر اصل عدالت، قانونگذار اسلام هیچ صدمه و زبانی را جبران نشده باقی نمی‌گذارد هرچند که عامل آن جرم، مقصر نباشد.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

- آقائی نیا، حسین (۱۳۹۲)، حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اشخاص (جنایات)، ج ۱، تهران: نشر میزان.
- ابن قدامه المقدسی، موفق الدین (۱۳۸۸)، المعنی و الشرح الكبير، ج ۹، قاهره: مکتبه القاهره.
- الزحیلی، وهبة بن مصطفى (بی تا)، الفقه الإسلامی و أدلته، ج ۴، دمشق: دارالفکر.
- ابن شهید ثانی، حسن بن علی (بی تا)، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- باوی، محمود و مجید بهمنی (۱۳۹۳)، «مقایسه تقصیر در مسولیت مدنی و کیفری»، دوفصلنامه دانش و پژوهش حقوقی، س ۳، ش ۲.
- بخردیان، داریوش و راضیه عطار (۱۳۹۴)، «بررسی مبانی فقهی حوادث رانندگی»، مبانی فقهی حقوق اسلامی، تهران، س ۸، ش ۱۶.
- بهروزی زاده، کسواد و علی پورجواهری (۱۳۹۳)، «بررسی قوانین راهنمایی و رانندگی از منظر فقه و حقوق»، فصلنامه دانش انتظامی کهگیلویه و بویر احمد، دوره ۷، ش ۱۴.
- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۸ق)، تنقیح مبانی الأحکام - کتاب الديات، ج ۱، قم: دار الصدیقة الشهيدة ع.ا.ع.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۴، ج ۲، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، ج ۲۹، قم: مؤسسه آل البيت ع.ا.ع.



- خوبی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۲۲ق)، *مبانی تکملة المنهاج*، ج ۴۲، ج ۱، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی رحمته الله علیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا)، *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت: دارالشامیه.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۸۶)، *فقه استدلالی* (ترجمه تحریر الروضة فی شرح اللمعه)، ترجمه سیدمهدی داد مرزی، ج ۱۲، قم: کتاب طه.
- شمس الائمہ سرخسی، محمد بن احمد (۱۴۱۴ق)، *المبسوط*، ج ۲۶، بیروت: دارالمعرفة.
- شیخ مفید، محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳ق)، *المقنعة للشیخ المفید*، ج ۱، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- صفری، محسن و مصطفی بهاری زاده (۱۳۸۹)، «مسئولیت راننده بدون گواهینامه رانندگی»، فصلنامه حقوق اسلامی، تهران، سال ۷، ش ۲۴.
- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحکام*، ج ۱۰، ج ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیه*، ج ۱۰، ج ۱، قم: کتابفروشی داوری.
- علوی قزوینی، سید علی و سید ذبیح الله مسعودیان زاده (۱۳۹۳)، «قاعده من له الغنم فعلیه الغرم»، پژوهشنامه اندیشه های حقوقی، س ۲، ش ۴.
- عمید، حسن (۱۳۸۹)، *فرهنگ فارسی عمید*، ج ۱، تهران: راه رشد.
- فرحی، سید علی (۱۳۹۰)، *تحقیق در قواعد فقهی اسلام*، ج ۱، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- فکوری، محمد موسی (۱۳۹۰)، «مبانی فقهی مسئولیت جزایی و مدنی ناشی از تصادفات رانندگی»، سفیر نور، ش ۱۹.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۵۴)، «مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتورسیکلی»، *زمینی*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۱۸.



- کلاتری خلیل آباد، عباس و همکاران (۱۳۹۶)، «ضابطه ضمان راننده در رابطه با تلف و صدمات ناشی از تصادفات رانندگی»، پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۳، ش ۱۶.
- معلوف الیسوعی، لويس (۱۹۰۸م)، المنجد فی اللغة و الادب و العلوم، ج ۵، بیروت: الکاتولیکیه.
- مهمان نوازن، روح الله (۱۳۸۹)، خسارات قابل جبران در حقوق ایران، ج ۱، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۶۶)، حقوق جزا مسئولیت کیفری، ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- یزدی، سید مصطفی محقق داماد (۱۴۰۶ق)، قواعد فقه، ج ۱۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی